

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز ہفتم لائودکیہ ای - شمارہ بیست و ہشت

Jeff Pippenger

2026-01-14

شمارہ بیست و ہشت

ما در حال شناسایی دوازده تحقق مسیحایی در کتاب متی هستیم و آنها را با نشانه‌های راہ یک صد و چہل و چہار ہزار تن ہم تراز می‌سازیم. ما تولد مسیح را بہ عنوان نشانہ راہ «زمان آخر» شناسایی کردہ ایم؛ نشانہ ای کہ آغازگر ہر حرکت اصلاحی است. تولد مسیح با سال 1989 ہم راستا است، کہ برای یک صد و چہل و چہار ہزار تن، «زمان آخر» بہ شمار می‌آید. آن نشانہ راہ ہموارہ بہ دنبال خود نشانہ راہی می‌آورد کہ در آن، پیام بہ عرصہ عمومی عرضه می‌گردد، تا از آن پس عموم مردم نسبت بہ آن مسؤول شناختہ شوند.

دومین تحقق مسیحایی، تعلیم مثل‌های مسیح بود کہ روش‌شناسی بہ کار رفته برای ارائه پیامی را تعریف می‌کند کہ پس از زمان آخر رسمیت می‌یابد، آنگاہ کہ افزایش معرفت بہ پیامی برای آن نسل خاص می‌انجامد. برای میلری‌ها این زمان 1831 بود و برای جنبش یکصد و چہل و چہار ہزار، 1996. پس از آنکہ پیام در عرصہ عمومی قرار دادہ می‌شود، سپس بہ واسطہ تحقق نبوتی کہ آغاز فرایند آزمون را مشخص می‌سازد، قدرت می‌یابد. این توانمندسازی برای میلری‌ها 11 اوت 1840 بود و برای یکصد و چہل و چہار ہزار، 9/11.

سومین نشانہ راہ مسیحایی، پیام‌آوران ۱۱ سپتامبر است.

اور آ کر ناصرت نام ایک شہر میں سکونت اختیار کی، تاکہ وہ بات پوری ہو جو انبیا کی معرفت کہی گئی تھی کہ وہ ناصری کہلائے گا. متی 2:23.

پیشگویی

وِیسے کے تینے میں سے ایک ٹہنی نکلے گی، اور اُس کی جڑوں میں سے ایک شاخ پھوٹے گی۔ یسعیاہ 11:1، قضاة 13.

ریشہ واژہ عبری ترجمہ شدہ بہ «شاخہ»، تفسیر است کہ ریشہ «ناصرہ» نیز هست. آن شاخہ از زاغہ‌های ناصرہ برمی‌خیزد.

«خداوند جوانان را از میان طبقات فروتن زندگی بہ خدمت خویش فراخواہد خواند، همان‌گونہ کہ آنگاہ کہ شخصاً بر این زمین می‌زیست، چنین کرد. او از کنار ربیان دانش‌آموختہ گذشت تا بہ عنوان نخستین شاگردان خود، ماہیگیران فروتن و بی‌سواد را برگزیند. او کارگرانی دارد کہ آنان را از فقر و گمنامی فراخواہد خواند. آنان کہ بہ وظایف معمول زندگی مشغول اند و جامہ‌های زیر بر تن دارند، در نظر مردمان کم‌ارزش شمرده می‌شوند. اما آنان جواهرات گران‌بہا خواہند شد تا برای خداوند بہ درخشند. «و یہوہ صباوت می‌گوید: ایشان در آن روز کہ جواهرات خاص خود را فراہم آورم، از آن من خواہند بود.» ریویو اند ہرالد، ۵ مہ ۱۹۰۳.»

اقتدار روح القدس، سیسٹر وائٹ کا اقتدار، اور جونز اور ویگنر کی الہامی تائید کو 1888 میں رد کر دیا گیا، جیسے قورح نے موسی کے اقتدار کو رد کیا تھا۔

«بدین سان پیام فرشته سوم اعلام خواهد شد. هنگامی که زمان آن فرا رسد که این پیام با عظیم ترین قدرت عرضه شود، خداوند به واسطه ابزارهای فروتن عمل خواهد کرد و اذهان کسانی را که خویش را به خدمت او وقف می کنند، هدایت خواهد نمود. کارگران بیش از آنکه به وسیله آموزش مؤسسات ادبی تربیت یافته باشند، به واسطه مسح روح او شایسته ساخته خواهند شد. مردان ایمان و دعا ناگزیر خواهند شد که با غیرتی مقدس به پیش روند و کلماتی را که خدا به ایشان می بخشد، اعلام کنند. گناهان بابل آشکار خواهد شد. نتایج هولناک تحمیل مراسم کلیسا به وسیله اقتدار مدنی، نفوذ تدریجی روح گرایی، پیشرفت پنهان اما سریع قدرت پاپی—همه برملا خواهند شد. به وسیله این هشدارهای جدی، مردم به جنبش درخواهند آمد. هزاران هزار نفر گوش فرا خواهند داد که هرگز سخنانی مانند این را نشنیده اند. با شگفتی می شنوند این شهادت را که بابل همان کلیساست که به سبب خطاها و گناهانش سقوط کرده است، زیرا حقیقتی را که از آسمان برای او فرستاده شده بود، رد کرده است. هنگامی که مردم با این پرسش مشتاقانه نزد آموزگاران پیشین خود می روند که آیا این امور چنین است، خادمان افسانه ها عرضه می کنند و چیزهای دلپذیر نبوت می نمایند تا ترس های ایشان را تسکین دهند و وجدان بیدار شده را آرام سازند. اما چون بسیاری از مردم از آنکه صرفاً به اقتدار انسان ها بسنده کنند سر باز می زنند و «خداوند چنین می فرماید»ی روشن را مطالبه می کنند، خادمان محبوب عامه، همچون فریسیان قدیم، چون اقتدارشان مورد پرسش قرار می گیرد، از خشم لبریز شده، این پیام را شیطانی خواهند خواند و انبوه گناه دوست را برخوانند انگیخت تا آنان را که آن را اعلام می کنند، دشنام دهند و آزار رسانند.» The Great Controversy, 606.

لب های لکنت دار محله های فقیرنشین ناصره به «مجادله»ی اشعیا بیست و هفت رسیدند.

در اندازه، چون آن بروید، تو با آن مناظره خواهی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی باز می دارد. اشعیا 27:8.

«باد شرقی» اسلام، که به عنوان «سومین وای» و نیز «به خشم آمدن امت ها» معرفی شده است، در ۱۱ سپتامبر رها شد و بی درنگ مهار گردید.

«در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می شود، مصیبت بر زمین فرود خواهد آمد، و امت ها خشمگین خواهند شد، اما مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی بخشی از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت بخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، پایدار بمانند.» Early Writings, 85.

موسی، ایلن وائٹ، اے. ٹی. جونز اور ای. جے. ویگنر نے پھر 9/11 پر حقوق باب دو کے نگہبانوں کے طور پر اپنا مقام سنبھالا، جنہوں نے پوچھا کہ یسعیاہ کی اُس "مباحثہ" کے دوران وہ کیا کہیں گے، جو اُس وقت شروع ہوتا ہے جب مشرقی ہوا آتی ہے۔ یسعیاہ کہتا ہے کہ یہی "مباحثہ" خدا کے لوگوں میں سے گناہوں کو پاک کرتا ہے۔

به اندازه، هنگامی که آن را به پیش می فرستی، با آن محاکمه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خود را باز می دارد. پس بدین وسیله عصیان یعقوب کفاره خواهد شد؛ و تمامی ثمر برطرف شدن گناه او این است: هنگامی که او همه سنگ های مذبح را همچون سنگ های گچ که خرد و شکسته شده اند، می سازد، بیشه ها و تمثال ها برپا نخواهند ماند. اشعیا 27:8, 9

«مباحثه» درباره این که باران آخر در ۹/۱۱ اندازه گیری می شود، آنگاه که اسلام رها شد و سپس مهار گردید، همان چگونگی برداشته شدن گناهان یعقوب است، و بدین سان یعقوب به اسرائیل مبدل می شود. این انتقال کتاب مقدسی یعقوب، یعنی انسان نماینده عهد، به اسرائیل، سال ۱۸۵۶ را

مشخص می‌سازد؛ هنگامی که جنبش میلری فیلادلفیایی، به جنبش میلری لائودیکیه‌ای تبدیل شد، که هفت سال بعد به کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکیه‌ای بدل گردید. آن انتقال در تاریخ میلری، نشانه‌ای را در تاریخ صد و چهل و چهار هزار معین می‌سازد، آنگاه که جنبش لائودیکیه‌ای صد و چهل و چهار هزار به جنبش فیلادلفیایی صد و چهل و چهار هزار تبدیل می‌شود. آن نقطه انتقال همان زمانی است که یعقوب، به معنای غاصب، به اسرائیل، به معنای غالب، تبدیل می‌شود.

«مناظره» گناهان یعقوب را تطهیر می‌کند و او اسرائیل غالب می‌گردد. آنان که به‌عنوان اسرائیل نمایانده شده‌اند، به خون کلمه و کلام شهادت خویش غالب می‌آیند.

و ایشان به سبب خون برّه و به سبب کلام شهادت خویش بر او غالب آمدند؛ و جان خود را تا به مرگ عزیز نداشتند. مکاشفه 12:11.

«کلام شهادت ایشان» همان پیامی است که دیدبان، حقوق درخواست کرد آن را درک کند. این کلام، مقدس شدن ایشان و خون برّه، یعنی عادل‌شمردن شدن ایشان، را نمایندگی می‌کند.

من بر جایگاه دیدبانی خویش خواهم ایستاد، و بر برج مستقر خواهم شد، و دیده‌بان خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم، چه پاسخ خواهم داد. حقوق ۲:۱.

لفظ «توبیخ کرد» به معنای «مجادله کرد» است، و نمایانگر «مباحثه» اشعیا است که گناهان یعقوب را برمی‌دارد. دیده‌بان در حقوق می‌خواهد بداند که شهادتش چه باید باشد، و به او اعلام می‌شود که الواح حقوق همان پیامی است که به کسانی که مایل به خواندن بودند امکان می‌داد تا در میان کتب مقدس بگردند و پیام عادل‌شمردگی به وسیله ایمان را بیابند. حقوق باب دو در پایان چهار آیه نخست، دیده‌بان را به روشنی به‌عنوان کسی معرفی می‌کند که در زمره آنان است که به وسیله ایمان عادل‌شمردن می‌شوند.

से आस्था अपनी जन धर्मी परन्तु; है नहीं सीधा भीतर उसके, है हुआ फूला से घमण्ड जो मन उसका, देखो जीवति हबक्कूक 2:4 ।

پیام مندرج بر آن دو لوح، همان راه‌های کهن ارمیا است. اما هنگامی که دیده‌بان ارمیا کرنا را به صدا درآورد، آن طبقه از عاصیان که جان‌هایشان متکبرانانه برافراشته است، از شنیدن سر باز زدند. آنان همان گروهی بودند که در آیه پیشین نیز از سلوک در راه‌های کهن، تا آرامش و تجدید قوت را بیابند، امتناع ورزیدند.

بدین‌سان خداوند می‌فرماید: «بر سر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است؛ و در آن سلوک نمایید، تا برای جان‌های خود آرامی بیابید.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» همچنین دیدبانانی بر شما گماشتم که می‌گفتند: «به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» ارمیا 6:16، 17

نگهبان جو 9/11 پر خدا کے لوگوں پر مقرر کیے گئے تھے، موسیٰ، ایلن وائٹ، جونز اور ویگنر تھے، جن کی نمائندگی موسیٰ کے لکنت آمیز ہونٹوں سے کی گئی، اور یہ اس کے مصری زبان میں بولنے کے خوف کی نمائندگی تھی، ایسی زبان جسے اس نے چالیس برس تک استعمال نہ کیا تھا۔ موسیٰ کے ساتھ بحر قلزم سے گزرنے والے تمام عبرانیوں اور اس مختلط ہجوم کے لحاظ سے، موسیٰ وہ شخص تھا جس کا لہجہ اجنبی تھا۔ اس کا لہجہ ناصری لہجہ تھا۔ پطرس کا لہجہ بھی نمایاں طور پر پہچانا گیا تھا۔

اور کچھ دیر بعد جو وہاں کھڑے تھے، وہ اُس کے پاس آئے اور پطرس سے کہنے لگے، یقیناً تو بھی اُنہی میں سے ہے، کیونکہ تیری بولی تجھے ظاہر کرتی ہے۔ متی 26:73.

در مجادلۀ تاریخ پطرس، او سه بار دروغ گفت، و در آن مجادله به واسطهٔ لهجۀ خویش، یا زبان لکنت‌دارش، شناخته شد. یک طبقه در آن مجادله از خدا پرسید: «در مجادله چه بگویم؟» آنان «راه‌های قدیم» را می‌بینند و به «صدای کرنا» گوش فرا می‌دهند. ایشان می‌بینند و می‌شنوند، و چون سرانجام «مجادله» می‌کنند، غالب می‌آیند. پیامی که برای غلبه کردن در ایام آخر داده شده است، به صورت پیام لائودیکیه به تصویر کشیده شده است. بر خلاف کلیسای لائودیکیه، کلیسای فیلادلفیه هیچ محکومیتی ندارد.

جو غالب آئے گا، اُسے میں اپنے خدا کے ہیکل میں ایک ستون بنا دوں گا، اور وہ پھر کبھی باہر نہ جائے گا؛ اور میں اُس پر اپنے خدا کا نام، اور اپنے خدا کے شہر کا نام، یعنی نئے یروشلیم کا، جو میرے خدا کی طرف سے آسمان سے نازل ہوتا ہے، لکھوں گا؛ اور میں اُس پر اپنا نیا نام بھی لکھوں گا۔ جس کے کان ہوں، وہ سنے کہ روح کلیسیاؤں سے کیا فرماتا ہے۔ مکاشفہ 3:12، 13.

با وجود آن‌که هیچ محکومیتی در کار نیست، وعدۀ داده‌شده به فیلادلفیا فقط برای کسانی است که «غلبه می‌کنند». کلیسای فیلادلفیا در تقابل با کلیسای لائودیکیه قرار دارد، و به واسطهٔ دو گروه متمایز می‌شود: گروهی که نیاز دارند غلبه کنند، و گروهی که غلبه کرده‌اند. کلیسای فیلادلفیا در تقابل با کلیسای لائودیکیه قرار دارد، و کلیسای لائودیکیه همان باکره‌های نادان متی ۲۵ است.

«حالت کلیسا که به وسیلۀ باکرگان نادان نمایانده شده است، همچنین به عنوان حالت لائودیکیه نیز توصیف شده است.» 19 Review and Herald، اوت 1890.

در ۱۱ سپتامبر، هنگامی که آن فرشته در زمان فرو ریختن برج‌های دوقلو فرود آمد، جونز و واگنر ارائهٔ پیام لائودیکیه را آغاز کردند، و جدال باران آخر آغاز شد. پیام کرنای ارمیا همان کرنای هفتم است، که همان وای سوم است، که همان اسلام است؛ چنان‌که در راه‌های قدیم که به وسیلۀ حقایق—تمام حقایق—ممتل بر لوح‌های حقوق ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ شناسانده شده است. پیام لائودیکیه تنها امید نجات است، و واژۀ نجات به معنای شفا است. خواه مسیح خویشتن را در حالی تصویر کند که بر در دل یک لائودیکیه‌ای می‌کوبد، یا به لائودیکیه‌ای وعده دهد که اگر با او صلح کند، او نیز با وی صلح خواهد کرد، تنها پیامی که به یک آدونت‌یست روز هفتم لائودیکیه‌ای عرضه می‌شود، پیام شفا است.

نشان راه چهارم مسیحایی، پیام لائودیکیه ۹/۱ است.

تا آنچه به واسطهٔ اِشعَیای نبی گفته شده بود، به انجام رسد که گفت: «او خود ضعف‌های ما را بر گرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد.» متی ۸:۱۷

پیشگویی

یقیناً اُس نے ہمارے غم اُٹھا لیے اور ہمارے دُکھ اپنے اوپر لے لیے؛ لیکن ہم نے اُسے خدا کا مارا ہوا، اُس کی طرف سے زدہ، اور مبتلا سمجھا۔ یسعیاہ 53:4.

و به فرشتۀ کلیسای لائودیکیان بنویس: این را آمین، آن شاهد امین و راستین، و مبدأ آفرینش خدا می‌گوید: اعمال تو را می‌دانم، که نه سردی و نه گرم؛ کاش سرد بودی یا گرم. پس چون ولرم هستی، و نه سردی و نه گرم، تو را از دهان خود بیرون خواهم افکند.

زیرا می‌گویی: «دولتمندم و مال اندوخته‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم»؛ و نمی‌دانی که تو شوربخت و بینوا و فقیر و کور و عریانی.

من تو را پند می‌دهم که از من طلای آزموده در آتش بخری تا دولتمند گردی؛ و جامۀ سفید، تا پوشیده شوی و رسوایی برهنگی‌ات آشکار نگردد؛ و چشمانت را به سرمه مسح کن تا بینا شوی.

جو مجھ سے محبت رکھتے ہیں، میں انہیں ملامت اور تادیب کرتا ہوں؛ پس سرگرم عمل ہو اور توبہ کر۔ دیکھ، میں دروازہ پر کھڑا ہوں اور دستک دیتا ہوں؛ اگر کوئی میری آواز سنے اور دروازہ کھولے تو میں اس کے پاس اندر آؤں گا، اور اس کے ساتھ کھانا کھاؤں گا، اور وہ میرے ساتھ۔ جو غالب آئے، میں اسے یہ بخشوں گا کہ میرے ساتھ میرے تخت پر بیٹھے، جس طرح میں بھی غالب آیا اور اپنے باپ کے ساتھ اس کے تخت پر بیٹھ گیا ہوں۔ جس کے کان ہوں، وہ سنے کہ روح کلیسیاؤں سے کیا فرماتا ہے۔ مکاشفہ 3:14-22۔

مشورت خریدن طلا و جامہ سفید و سرمہ کشیدن بر چشم‌ها، علاج تصریح شدہ برای وضعیتی است کہ بہ مرگ ابدی می‌انجامد، نہ صرفاً مرگ۔ ہر مشکلی کہ طلا و جامہ و سرمہ بتوانند درمان کنند، آن مشکلات بہ آسانی با این حقیقت ہماہنگاند کہ مسیح ضعف‌های ما را بر خود گرفت۔ یوحنا در پطمس بہ سبب کلام خدا و شہادت عیسی، کہ همان روح نبوت است، محبوس بود۔ روح نبوت علاج لائودیکہ است، و خاصیت‌های شفا بخش روح نبوت بہ وسیلہ این امر نمونہ وار بہ تصویر کشیدہ شد کہ مسیح ضعف‌های ما را بر خود گرفت و غم‌های ما را متحمل شد۔

یگانہ راہی کہ مسیح بتواند ناتوانی‌های ما را برگیرد، این است کہ ما در دل خود را بگشاییم و امتزاج الوہیت او را با انسانیت خویش مجاز شماریم۔ او آنگاہ ناتوانی‌های ما را برمی‌گیرد کہ از طریق حضور روح القدس بہ درون زندگی ما وارد شود۔ ما با بہ جا آوردن علاج، در را می‌گشاییم۔ علاجی کہ دل را می‌گشاید، طلا، جامہ سفید، و سرمہ است۔ سرمہ همان روشن شدن کلام خداست کہ تنہا بہ وسیلہ روح القدس بہ انجام می‌رسد۔ کتاب مقدس چراغ پای‌های ماست، و نوری کہ راہ را روشن می‌سازد، نور ندای نیمہ شب است۔

کلام تو برای پاہای من چراغ، و برای راہ من نور است۔ مزامیر ۱۰۵:۱۱۹۔

جب لائودیکہ کے کسی فرد کو اپنی آنکھوں پر سرمہ لگانے کا مشورہ دیا جاتا ہے، تو اسے یہ خدا کے کلام کے ذریعے کرنا ہے، جو ایک چراغ ہے؛ لیکن جیسا کہ دس کنواریوں کی تمثیل میں ظاہر کیا گیا ہے، تیل کے بغیر چراغ بے فائدہ ہے۔ لائودیکہ کے لوگوں کے پاس اپنی بائبلیں تو ہیں، اگرچہ عموماً کنگ جیمز ورژن نہیں، لیکن ان کے پاس روح القدس کا تیل نہیں ہے۔ لائودیکہ کی آنکھوں کا یہ مسح ایک ایسے پیغام کے ذریعے انجام پاتا ہے جس میں روح القدس کی حضوری شامل ہو۔

طلایی کہ بہ لائودیکیان اندرز دادہ می‌شود کہ بخرند، صرفاً ایمان نیست، بلکہ ایمانی است کہ بہ واسطہ محبت عمل می‌کند و جان را پاک می‌سازد۔ همان‌گونه کہ درباره سرمہ چشم نیز چنین است، این طلا ہم دارای اعترافی جعلی و لائودیکیایی است۔ یک لائودیکی، همان‌گونه کہ تمام عالم مسیحیت نیز چنین می‌کند، اقرار می‌نماید کہ «ایمان» دارد۔ آن نوع ایمان صرفاً باور انسانی است، و بدلی از آن ایمانی است کہ بہ صورت طلا نمایانہ شدہ است، زیرا آن ایمان جان را پاک می‌سازد۔ این ایمانی است کہ تقدیس می‌کند، و آنان کہ دارای ایمانی حقیقی و تقدیس شدہ‌اند، مقدس‌اند، زیرا تقدیس شدہ بہ معنای مقدس گردانیدہ شدہ است۔ لائودیکیان آن ایمان را ندارند، زیرا اگر می‌داشتند، مسیح بیرون نمی‌بود و در جست‌وجوی ورود نمی‌بود۔

«راہ میانہ‌ای بہ سوی فردوس بازگردانیدہ شدہ وجود ندارد۔ پیامی کہ برای این ایام آخر بہ انسان دادہ شدہ است، نباید با تدابیر ساختہ و پرداختہ بشر درآمیزد۔ ما نباید بر خط‌مشی وکلای دنیوی تکیہ کنیم۔ ما باید مردمانی فروتن و اہل دعا باشیم، نہ آنکہ ہمچون کسانی رفتار کنیم کہ بہ وسیلہ عوامل شیطان کور شدہ‌اند۔»

«بسیاری ایمان دارند، اما نہ ایمانی کہ بہ وسیلہ محبت عمل کند و جان را طاهر سازد۔ ایمان نجات بخش صرفاً اعتقاد محض بہ حقیقت نیست۔ «شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند۔» الہام روح خدا بہ انسان‌ها ایمانی می‌بخشد کہ نیرویی برانگیزانندہ است، شخصیت را شکل می‌دہد، و

آدمیان را فراتر از اعمال صرفاً تشریفاتی رهبری می‌کند. کلمات، اعمال، و روح باید بر این حقیقت شهادت دهند که ما پیروان مسیح هستیم.»

«بزرگ‌ترین نور و برکتی که خدا عطا فرموده است، در این ایام آخر تضمینی در برابر تعدی و ارتداد نیست. آنان که خدا ایشان را به مناصب بلند اعتماد برکشیده است، ممکن است از نور آسمان به حکمت انسانی روی برگردانند. آنگاه نور ایشان به تاریکی مبدل خواهد شد، توانایی‌هایی که خدا به امانت به آنان سپرده است دام ایشان خواهد گردید، و منش ایشان مایه اهانته به خدا خواهد شد. خدا را نمی‌توان استهزا کرد. روی‌گردانی از او، در گذشته چنین بوده و همیشه نیز چنین خواهد بود که با نتایج حتمی خود همراه است. ارتکاب اعمالی که خدا را ناخشنود می‌سازد، اگر به‌گونه‌ای قاطع از آنها توبه نشود و ترك نگردد، به جای آنکه در پی توجیه آنها برآیند، بدکردار را گام‌به‌گام در فریب پیش خواهد برد تا آنکه گناهان بسیار با مصونیت ارتکاب یابد. همه آنان که می‌خواهند منش و شخصیتی داشته باشند که ایشان را همکاران خدا سازد و موجب شود که تحسین خدا را دریافت کنند، باید خود را از دشمنان خدا جدا سازند و حقیقتی را که مسیح به یوحنا داد تا به جهان برساند، نگاه دارند.» Manuscript Releases, جلد 18, 30-36.

“سفید پوشاک” مسیح کی راست‌بازی ے۔

شادی کنیم و وجد نماییم و او را جلال دهیم؛ زیرا عروسی بره فرا رسیده است و همسر او خویشان را مهیا ساخته است. و به او عطا شد که به کتان نازک، پاک و سفید، ملبس گردد؛ زیرا آن کتان نازک، پارسایی مقدسان است. و او مرا گفت: بنویس، خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی بره خوانده شده‌اند. و او مرا گفت: این‌ها سخنان راستین خداست. مکاشفه ۱۹:۷-۹

همسر، با به‌کار بستن آن علاج سه‌گانه‌ای که به لائودکیه عرضه شده بود، خود را مهیا ساخت، و بدین‌سان خویشان را به عروسی فیلادلفیایی مبدل کرد. این آیات به‌طور مستقیم خطاب به ادونتیسیم است، که در مثل ده باکره نمایانده شده است. باکره‌ها کسانی‌اند که در انتظارند تا به عروسی‌ای بروند که بدان فراخوانده شده‌اند. عروس خود را آماده ساخت، زیرا این امر در فصل سوم زکریا، در ماجرای یوشع و فرشته، عطا شده بود. در آنجا جامه چرکین لائودکیه‌ای او از وی بیرون شد و با کتان سفید، یعنی جامه عروسی، جایگزین گردید. این علاج در نام Ellen Gould White نیز شاهی دوم دارد. Ellen به معنای نوری درخشان و تابان است، و نماینده سرمه چشم است. Gould واژه کهن انگلیسی برای gold است، و به معنای طلاست. White نمایانگر پارسایی است، و این نام تا سال 1846، هنگامی که او با James ازدواج کرد، به او داده نشده بود. نام او آنگاه به White تغییر یافت. تغییر نام و ازدواج، هر دو، نمادهای رابطه‌ای عهدی هستند. پیش از ازدواج، نام او Harmon بود، که به معنای سرباز صلح است، چنان‌که در آن زمان نیز چنین بود. Ellen White همان پیام لائودکیه است، و رد کردن او، رد کردن نجات است!

در مقاله بعدی، بررسی دوازده نبوت مسیحایی در کتاب متی را ادامه خواهیم داد.

«مکاشفه ۱۴:۳-۱۸ نقل شد.»

«او، چه توصیفی! چه بسیاری! چه کسانی که در این وضعیت هولناک به سر می‌برند. من از هر خادم کلام صمیمانه استدعا می‌کنم که فصل سوم مکاشفه را با جدیت مطالعه کند، زیرا در آن، وضعیت اموری که در ایام آخر وجود دارد، به تصویر کشیده شده است. هر آیه از این فصل را با دقت مطالعه کنید، زیرا عیسی از طریق این کلمات با شما سخن می‌گوید.»

«اگر هرگز قومی با پیام لائودکیه نمایانده شده باشند، آن قوم مردمی هستند که نور عظیم، یعنی مکاشفه کتب مقدس را، که ادونتیسیم‌های روز هفتم دریافت کرده‌اند، داشته‌اند.» Manuscript Releases, volume 18, 193

“خداى حقيقى حکم‌نگهدار قوم خدا به جهان شخصيتى با پاکدامنى بى‌لکه نشان مى‌دهند و با سیرت و رفتار خويش شهادت مى‌دهند که شريعت خداوند کامل است و جان را باز مى‌گرداند. بدین‌سان، خداوند عيسى، پسر خدا، از طريق اطاعت خود از شريعت خدا، آن شريعت را متعال ساخت و مکرم گردانيد. خدا بى‌گمان هر عضو هر کليساى را که مدعى ادونتيسٔ روز هفتم بودن است و او را خدمت نمى‌کند، بلکه به واسطه غرور، خودخواهى، و دنيازدگى نشان مى‌دهد که حقيقت داراى منشأ آسمانى اصلاحي در شخصيت او پديد نياورده است، محکوم خواهد کرد.

“لطفاً مکاشفه ۱۵:۳-۱۸ را با دقت بخوانيد. صداى عيسى مسيح شنيده مى‌شود. «هر که را دوست مى‌دارم، توبيخ و تاديب مى‌کنم؛ پس غيور باش [نه نيم‌دل] و توبه کن. اينک من [نجات‌دهنده شما] بر در ايستاده، مى‌گويم: اگر کسى آواز مرا بشنود و در را بگشايد، به نزد او درخواهم آمد و با او شام خواهم خورد و او نيز با من. آن که غالب آيد، به او عطا خواهم کرد که با من بر تخت من بنشيند؛ چنان‌که من نيز غالب آمدم و با پدر خود بر تخت او نشستم» [مکاشفه ۱۹:۳-۳۱].

«آيا کليساها به پيام لائوديکيه گوش خواهند سپرد؟ آيا توبه خواهند کرد، يا با وجود اين‌که جدى‌ترين پيام حقيقت—پيام فرشته سوم—به جهان اعلام مى‌شود، همچنان در گناه ادامه خواهند داد؟ اين آخرين پيام رحمت، آخرين هشدار به جهانى سقوط کرده است. اگر کليساى خدا گرم و سرد شود، ديگر بيش از آن کليساهاى که به منزله سقوط کرده و مسکن ديوها، و مأوى هر روح ناپاک، و قفس هر پرنده نجس و نفرت‌انگيز معرفى شده‌اند، در نظر خدا مقبول نيست. آنان که فرصت شنيدن و پذيرفتن حقيقت را داشته‌اند و با کليساى ادونتيسٔ روز هفتم متحد شده‌اند، خود را قوم خدا که احکام را نگاه مى‌دارند مى‌نامند، و با اين حال از کليساهاى اسمى نيز بيش از اين حيات و تخصيص به خدا ندارند، به قطع همان‌گونه بلاهاى خدا را خواهند چشيد که کليساهاى که با شريعت خدا مخالفت مى‌کنند. فقط آنان که به واسطه حقيقت تقديس شده‌اند، خاندان شاهانه را در منازل آسمانى تشکيل خواهند داد که مسيح رفته است تا براى آنان که او را محبت مى‌ورزند و احکامش را نگاه مى‌دارند، آماده سازد.»

«کسى که مى‌گويد: «او را مى‌شناسم»، و احکام او را نگاه نمى‌دارد، دروغ‌گوست و راستى در او نيست» [John 2:4 1]. اين شامل همه کسانى است که مدعى‌اند معرفت خدا را دارند و احکام او را نگاه مى‌دارند، اما اين را با اعمال نيك ظاهر نمى‌سازند. آنان موافق اعمال خود جزا خواهند يافت. «هر که در او ساکن است، گناه نمى‌کند؛ هر که گناه مى‌کند، نه او را ديده است و نه او را شناخته است» [John 3:6 1]. اين خطاب به همه اعضاى کليسا است، از جمله اعضاى کليساهاى ادونتيسٔ روز هفتم. «اى فرزندان، هيچ‌کس شما را نفريند. آن که عدالت را به‌جا مى‌آورد، عادل است، چنان‌که او عادل است. آن که گناه مى‌ورزد، از ابليس است، زيرا ابليس از ابتدا گناه کرده است. پسر خدا براى اين ظاهر شد تا اعمال ابليس را نابود سازد. هر که از خدا مولود شده است، گناه نمى‌کند، زيرا تخم او در وى باقى مى‌ماند؛ و او نمى‌تواند گناه کند، زيرا از خدا مولود شده است. از اين است که فرزندان خدا و فرزندان ابليس آشکار مى‌شوند: هر که عدالت را به‌جا نمى‌آورد، از خدا نيست، و نيز آن که برادر خود را محبت نمى‌کند» [John 3:7-10 1].

«همه کسانى که ادعا مى‌کنند ادونتيسٔ نگاه‌دارندهٔ سبت هستند، و با اين حال در گناه ادامه مى‌دهند، در نظر خدا دروغگو هستند. سلوک گناه‌آلود آنان در برابر کار خدا عمل مى‌کند. آنان ديگران را به گناه مى‌کشانند. اين کلام از جانب خدا به هر عضو کليساهاى ما مى‌رسد: “و براى پاهای خود راه‌هاى راست بسازيد، مبدا آنچه لنگ است از راه منحرف گردد، بلکه بهتر آن است که شفا يابد. با همه مردم در صلح بکوشيد، و نيز در پى قدوسيتى باشيد که بدون آن هيچ‌کس خداوند را نخواهد ديد؛ و با دقت مراقب باشيد مبدا کسى از فيض خدا محروم بماند؛ مبدا ريشه‌اى از تلخى سر برآورد و شما را به زحمت اندازد و به سبب آن بسيارى آلوده گردند؛ مبدا در ميان شما کسى زناکار يا شخصى بى‌حرمت همچون عيسو باشد، که حق نخست‌زادگى خود را در

برابر لقمه‌ای خوراک فروخت. زیرا می‌دانید که پس از آن نیز، هنگامی که می‌خواست برکت را به میراث برد، مردود شد؛ زیرا با آنکه آن را با اشک به دقت می‌جست، جایی برای توبه نیافت» [عبرانیان 12:13-17].

«این سخن بر بسیاری از کسانی صدق می‌کند که ادعا دارند به حقیقت ایمان می‌ورزند. آنان به‌جای آنکه اعمال شهوانی خود را ترک کنند، تحت مغالطه فریبنده شیطان، در مسیر نادرست تربیت و تعلیم پیش می‌روند. گناه به مثابه گناه تشخیص داده نمی‌شود. وجدان ایشان به‌راستی آلوده گشته، دل‌هایشان فاسد شده است، و حتی افکارشان پیوسته فاسد است. شیطان ایشان را همچون طعمه به کار می‌گیرد تا جان‌ها را به اعمال ناپاکی که تمامی وجود را آلوده می‌سازد، بفریبد. «هر که شریعت موسی را [که همان شریعت خدا بود] خوار می‌شمرد، به شهادت دو یا سه شاهد، بی‌رحمت کشته می‌شد؛ پس گمان می‌برید کسی که پسر خدا را پایمال کرده، و خون عهد را که به وسیله آن تقدیس شده بود، ناپاک شمرده، و به روح فیض اهانت روا داشته است، سزاوار چه مجازاتی بس سخت‌تر خواهد بود؟ زیرا او را می‌شناسیم که گفته است: انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد، خداوند می‌فرماید. و باز: خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد. افتادن به دست‌های خدای زنده، امری هولناک است» [عبرانیان 10:28-31]. "Manuscript Releases, جلد 19، 175-177.